

آکسیون سلطنت‌طلبان در استکهلم در دفاع از دولت اسرائیل!؟

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

احمدی‌نژاد، رییس جمهور رژیم اسلامی ایران، در همایش گروه‌های مرتجع و آدمکش حزب‌الله تحت عنوان «جهان بدون صهیونیسم»، حرف‌های خمینی و شعارهایی که در دوران جنگ خانمانسوز ایران مانند شعار «راه قدس از کربلا» می‌گذرد را تکرار کرد.

احمدی‌نژاد، در بخشی از سخنرانی خود در این همایش گفت: «امام فرمودند، سلطه شرق و غرب باید از بین برود و هیچ‌کس باور نمی‌کرد کسی باور نمی‌کرد يك روز ما سقوط شرق را ببینیم... امام فرمود، صدام باید برود و فرمودند صدام به آن‌چنان ذلتی گرفتار خواهد شد که نظیر ندارد و امروز صدام زنجیر در دست و پا در کشور خودش توسط کسانی که با حمایت آن‌ها جنایت کرد و دلخوش آن‌ها بود، محاکمه می‌شود و امام عزیزمان فرمودند که این رژیم اشغالگر قدس باید از صفحه روزگار محو شود و این جمله بسیار حکیمانه است...»

بدین تریب احمدی‌نژاد، به عنوان نماینده يك رژیم جهل و خرافات، جنگ و ویرانی، رعب و وحشت و ترور، شکنجه و اعدام که اکثریت جامعه ایران را در فقر و فلاکت فزاینده فرو برده است، همان حرف‌های قدیمی خمینی را تکرار می‌کند که حتا بخشی از سردمداران جمهوری اسلامی نیز با آن مخالفت کردند. این که چرا این بار گروهی از سلطنت‌طلبان، این شعار پوچ و تو خالی احمدی‌نژاد را جدی گرفته‌اند و موجودیت دولت اسرائیل را این چنین در خطر دیده‌اند که حتا برای آن آکسیون نیز برگزار می‌کنند؟! این گروه می‌داند که حرف احمدی‌نژاد، کمترین جنبه عملی نداشته و جمهوری اسلامی در موقعیتی نیست که به اسرائیل حمله نظامی کند و موجودیت آن را از بین ببرد. باید این حرکت سلطنت‌طلبان در استکهلم را این‌گونه تفسیر کرد که احتمالا رابطه پشت‌پرده آن‌ها با دولت اسرائیل تا جایی پیش رفته است که اکنون رسمی و علنی تلاش می‌کنند آن را در میان فارسی زبان‌ها تبلیغ و ترویج کند و...

در اوایل انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، دانش‌جویان «خط امام» سفارت آمریکا را اشغال کردند که احمدی‌نژاد، یکی از فعالین این حرکت و بازجوی تعدادی از گروگان‌هایی آمریکایی بود. او در سازمان‌های مخوف تروریستی جمهوری اسلامی پرورش یافته، حتا به برخی از زندانیان اعدام شده در اوایل انقلاب نیز تیر خلاص زده است. بنابراین احمدی‌نژاد، عاشق جنگ، خون، ویرانی، سرکوب و کشتار و ترور دارد.

پافشاری بر فعالیت‌های اتمی و این که احتمال دارد پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی، به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شود، محاصره اقتصادی ایران توسط سازمان ملل در راه خواهد بود. احتمال دیگر این است که اسرائیل و آمریکا، نیروگاه‌های اتمی جمهوری اسلامی را بمباران کنند. یعنی پروسه محاصره اقتصادی و بمباران‌های هوایی که در عراق پیاده شد، در ایران نیز تکرار گردد.

یکی از سیاست‌های دائمی سلطنت‌طلبان، حرکت در جهت سیاست‌های دولت ایالات متحده آمریکا است. این گروه اشغال افغانستان و عراق توسط آمریکا و متحدانش را ستودند و فراتر از آن رسماً در این سال‌ها به شخصیت‌های سیاسی و نظامی و نهادهای وابسته به سازمان سیا و غیره متوسل شده‌اند که آمریکا ایران را در محاصره اقتصادی قرار دهد و به این کشور حمله نظامی نماید. محاصره اقتصادی، يك سیاست غیرانسانی است که قبل از این که به حاکمیت ضربه بزند، با افزایش سریع قیمت‌ها و گرانی و تورم، مردم را دچار فقر و فلاکت و گرسنگی می‌کند. در دوران محاصره اقتصادی عراق، هر سال صدها هزار کودک به دلیل کمبود مواد غذایی و دارویی قربانی شدند. بنابراین مردم عراق در طول بیش از ده سال محاصره اقتصادی و حالت فوق‌العاده جنگی به فلاکت

نشانه شده بود، اما صدام حسین تا حمله آمریکا و اشغال این کشور، در مسند حاکمیت ماند. اکنون نیز عراق، روزبه‌روز بیش‌تر در باتلاق و جهنم سوزان آمریکا و انگلیس و گروه‌های ناسیونالیستی و تروریستی و بقایای حامیان صدام حسین فرو رفته و شیرازه جامعه از هم پاشیده شده است. حرکت اخیر گروهی از سلطنت‌طلبان، در مقابل سخنان احمدی‌نژاد، تاریخی و جالب است و ماهیت «دمکراسی‌خواهی» این گروه را به نمایش می‌گذارد. این گروه سلطنت‌طلب به نام «اتحادیه ملی برای دمکراسی در ایران»، عصر روز شنبه ۱۹ نوامبر ۲۰۰۵، آکسیون میدان مرکزی استکهلم (سرگل)، با حضور تعداد اندکی پرچم‌های دوران پهلوی و پرچم اسرائیل و عکس‌های رضا پهلوی و... را با خواندن سرود ملی سلطنت‌طلبان بالا برد. گروه فوق‌اطلاعی‌ای را نیز تحت عنوان «گردهمایی در مرکز شهر استکهلم، در حمایت از حق موجودیت مردم و دولت اسرائیل» در یکی از سایت‌های اینترنتی درج کرده است. در بخشی از این اطلاعیه چنین آمده است: «بی‌تردید احترام پرچم کشور اسرائیل در کنار پرچم سه رنگ شیروخورشید نشان ایران و پرچم سوئد در میدان مرکزی شهر استکهلم، بیش از هر چیز دیگری نظر عابری را به خود جلب کرده بود.»

بی‌دلیل نیست که آمریکا و اسرائیل، با دست و دل بازی و سخاوتمندانه امکانات مالی و تبلیغی زیادی در اختیار چنین گروه‌هایی قرار می‌دهند؟! بدین ترتیب، بالا بردن پرچم اسرائیل توسط سلطنت‌طلبان در استکهلم، و حمایت آن‌ها از دولت اسرائیل، غیر از همجتهی این گروه با سیاست‌ها و تایید جنایات دولت اشغالگر و نژادپرست اسرائیل، معنی دیگری ندارد.

جمهوری اسلامی، گروه‌های مذهبی حماس و جهاد اسلامی و... از یک‌سو و دولت نژادپرست اسرائیل، گروه‌های مذهبی مسلح اسرائیلی از سوی دیگر، عوامل اصلی سرکوب و کشتار مردم فلسطین و اسرائیل، و مانع اصلی برقراری صلح بین مردم اسرائیل و فلسطین هستند. قطعاً قبل از هر چیز باید اسرائیل به اشغال نظامی فلسطین پایان دهد تا مردم فلسطین به معنای واقعی به حق تعیین سرنوشت خودشان برسند.

دولت اسرائیل، چندین دهه است که فلسطین را اشغال کرده است و شبانه‌روز به تحقیر، سرکوب و کشتار مردم فلسطین دست می‌زند. گروه‌های اسلامی نیز در دهه هفتاد با حمایت و پشتیبانی دولت اسرائیل فعال شدند تا از این طریق گرایش چپ جامعه فلسطین و سازمان‌های چپ فلسطینی ضعیف‌تر شوند. با حاکمیت گرایش ارتجاعی مذهبی، ایران مرکز اصلی آموزش تروریست‌های اسلامی و حامی تروریسم اسلامی و مافیایی در جهان شد. از جمله جریانات مذهبی فلسطین نیز هنگامی که با حمایت‌های مالی و سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی روبه‌رو شد، اعمال تروریستی خود را شدت بخشید و تمایل بیش‌تری به جمهوری اسلامی پیدا کرد.

سال‌هاست که رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، مورد نفرت اکثریت مردم ایران قرار گرفته و روزبه‌روز نیز اعتراضات کارگران و مردم آزادی‌خواه علیه این رژیم تروریست و آدم‌کش ابعاد گسترده‌ای به خود می‌گیرد. در چنین شرایطی هرگونه حمله نظامی به ایران و یا محاصره اقتصادی این کشور، لطمات جبران‌ناپذیری به زیست و زندگی و مبارزه مردم خواهد زد. اساساً در مورد برچیدن بساط خونین جمهوری اسلامی، دو راه بیش‌تر وجود ندارد: ۱_ راه حلی که سلطنت‌طلبان و بخشی از بورژوازی ایران مطرح می‌کنند همان راه جرج بوش، یعنی اشغال این کشور مانند افغانستان و عراق است. ۲_ راه حل اکثریت جامعه ایران، یعنی طبقه کارگر، مردم محروم و ستم‌دیده و آزاده، سرنگونی جمهوری اسلامی با یک انقلاب اجتماعی و برپایی حکومت کارگری که به جهل و جنایت و خرافات ملی و مذهبی و ستم و استثمار سرمایه‌داری خاتمه دهد و جهانی برابر و آزاد و عاری از ستم و استثمار بسازد. بنابراین سیاست‌هایی که سلطنت‌طلبان، به عنوان بخشی از بورژوازی ایران دنبال می‌کنند همان سیاست‌های غیرانسانی اقتصادی، سیاسی و نظامی آمریکا و اسرائیل و دیگر متحدانش در جهان و به ویژه در خاورمیانه است که به جز جنگ، ویرانی، کشتار و محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی، هیچ دستاورد دیگری برای مردم این منطقه به بار نیاورده است.

مردم اسرائیل و فلسطین چندین دهه است که در میان جنگ و خون متولد می‌شوند و می‌میرند. آن‌ها قربانی سیاست‌های غیرانسانی دولت آمریکا و اسرائیل هستند. آمریکا، از اسرائیل، به عنوان یک پایگاه نظامی و برای اعمال فشار به کشورهای منطقه استفاده می‌کند. تنها طبقه کارگر متشکل و آگاه به سوسیالیسم علمی، و مردم آزادی‌خواه و برابری‌طلب می‌توانند به تاخت و تازهای اقتصادی، سیاسی و نظامی آمریکا و متحدانش و اسرائیل در منطقه پایان دهند و با سرنگونی دولت‌های دیکتاتوری «ملی و مذهبی» از نوع جمهوری اسلامی، به اختناق سیاسی و فقر و فلاکت و استثمار نیروی کار خاتمه دهند و جوامع انسانی بر پا دارند .

مسئله تا روزی که دولت اسرائیل به اشغال فلسطین پایان ندهد و حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین را به رسمیت نشناسد، بحث از صلح واقعی در خاورمیانه بی‌معنی است.

۲۶ نوامبر ۲۰۰۵